

بررسی تطبیقی فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران

سیدعیسی موسوی^۱، محمدامین ناصح^۲، اکرم کرانی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه علمی زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

۲. استادیار، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بیرجند، خراسان جنوبی، ایران

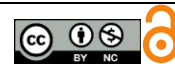
۳. استادیار، گروه علمی زبان‌شناسی و آموزش زبان انگلیسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: amin_nasseh@birjand.ac.ir

چکیده

همچون بسیاری از ساخت‌های زبان فارسی، ارائه تعریفی واحد از «فعل مرکب» نیز میان پژوهشگران و زبان‌شناسان بحث‌برانگیز بوده است. شاهد این ادعا انتشار مقالاتی در باب رد یا اثبات وجود فعل مرکب در زبان فارسی از منظر صرفی، نحوی و معنایی در دهه‌های اخیر می‌باشد. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد مقایسه نمونه‌هایی از افعال ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان با فارسی معیار ایران است. این دو گونه زبانی با وجود قرابت زیاد در برخی ساخت‌های دستوری، گاه تفاوت‌هایی در ساختار افعال ترکیبی دارند که مطالعه آن می‌تواند به درک عمیق‌تر موضوع بیانجامد. پژوهشگران برای گردآوری داده‌ها از دانش زبانی دانشجویان افغانستانی شاغل به تحصیل در واحد بین‌الملل دانشگاه بیرجند در قالب مصاحبه بهره برده‌اند. نتایج حاصل نشان داد گاه معادل افعال ترکیبی رایج در گونه فارسی افغانستان، فعل ترکیبی دیگری در فارسی معیار بوده و گاه نیز فعلی ساده در برابر آن قابل ردیابی است یا برعکس.

کلیدواژگان: فعل ترکیبی، فارسی دری، بررسی تطبیقی، افغانستان.



شیوه استناددهی: موسوی، سیدعیسی، ناصح، محمدامین، و کرانی، اکرم. (۱۴۰۵). بررسی تطبیقی فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۴(۱)، ۱-۱۶.

© ۱۴۰۵ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲۰ مرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۷ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۱ فروردین ۱۴۰۵

The Treasury of Persian Language and Literature

A Comparative Study of Compound Verbs in the Varieties of Afghan Persian and Standard Iranian Persian

Seyed Isa Mousavi¹, Mohammad Amin Nasseh^{2*}, Akram Korani³

1. PhD Student, Department of Linguistics and English Language Teaching, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

2. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Birjand, South Khorasan, Iran

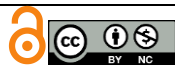
3. Assistant Professor, Department of Linguistics and English Language Teaching, Ker.C., Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

*Corresponding Author's Email: amin_nasseh@birjand.ac.ir

Abstract

As with many structures in the Persian language, providing a single, unified definition of the “compound verb” has also been a matter of debate among scholars and linguists. Evidence for this claim can be seen in the publication of articles over recent decades that argue for or against the existence of compound verbs in Persian from morphological, syntactic, and semantic perspectives. What is examined in the present study is a comparison of samples of compound verbs in the varieties of Afghan Persian with those of Standard Iranian Persian. Despite the close affinity between these two language varieties in many grammatical structures, they sometimes differ in the structure of compound verbs, the study of which can lead to a deeper understanding of the issue. To collect data, the researchers drew on the linguistic competence of Afghan students studying at the International Campus of the University of Birjand through interviews. The results indicate that, in some cases, the equivalent of a compound verb commonly used in Afghan Persian corresponds to a different compound verb in Standard Persian, while in other cases it can be matched with a simple verb, or conversely.

Keywords: *compound verb; Dari Persian; comparative study; Afghanistan.*



How to cite: Mousavi, S. I., Nasseh, M. A., & Korani, A. (2026). A Comparative Study of Compound Verbs in the Varieties of Afghan Persian and Standard Iranian Persian. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 4(1), 1-16.

© 2026 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 11 August 2025

Revise Date: 21 January 2026

Accept Date: 27 January 2026

Publish Date: 21 March 2026

مقدمه

زبان از مهم‌ترین نظام‌های نشانه‌ای بشر در جوامع زبانی است که انتخاب و رواج گونه‌های مختلف آنها با پاره‌ای تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی همسوست. در گذشته، گستره جغرافیایی زبان فارسی از بغداد تا چین و از آنسوی جیحون تا رود سند بود. اغلب پژوهشگران خاستگاه رواج این زبان را در آغاز، شرق و شمال شرقی ایران دانسته‌اند که پس از اسلام در غالب زبان ادبی به اوج شکوفایی خود رسید و سپس بر تمامی حوزه‌های فرهنگ ایرانی تأثیرگذار شد (1). سعدی شیرازی، رودکی بخارایی، عنصری بلخی، فردوسی طوسی و سنایی غزنوی به این زبان شعر گفته‌اند. ازسویی با در نظر گرفتن فتوحات اعراب و ورود آنها به مناطق پیرامون آسیا و آفریقا، زبان بسیاری از کشورهای منطقه از جمله مصر با زبان عربی جانشین شد یا لاقلاً حجم انبوهی از واژه‌های عربی به زبانشان راه یافت. پس از اسلام حکومت مرکزی منطقه اغلب در خراسان قرار داشت. این امر باعث شد که زبان پارسی دری، اهمیت یافته و زبان دربار و حکومت شود. شاعران یعقوب لیث صفاری؛ امیر و پادشاه منطقه را به زبان عربی مدح می‌کردند اما او روزی گفت: به زبانی که من می‌دانم برایم شعر بسرائید؛ یعنی فارسی یا همان زبان‌های محلی حوزه تمدنی ایران فرهنگی در خراسان بزرگ شامل خراسان کنونی به همراه بخش‌هایی از تاجیکستان، افغانستان و نیز سمرقند و بخارا یا همان ازبکستان امروز! پیامد فرهنگی این موضع‌گیری این بود که از دوره طاهریان تا تیموریان پارسی دری به زبان شعر و ادب و دربار و حکومت به مرکزیت هرات بدل شد و از آن پس رسمیت یافت (2).

زبان فارسی، زبان رسمی و وسیله تبادل اندیشه مردم در ایران، افغانستان و تاجیکستان است که در ایران آن را فارسی، در افغانستان دری و در تاجیکستان تاجیکی می‌نامند؛ گرچه جوهر این زبان در سه منطقه مزبور یکی است. در کنار اشتراکات نظام آوایی فارسی در افغانستان و تاجیکستان، تفاوت عمده این گونه‌ها

در بخش واژگان است. گونه‌های سه‌گانه فارسی ایران، افغانستان و تاجیکستان بنا به جهان‌بینی محیطی و برداشت مدنی، بعضاً واژگان خود را به کار می‌برند (3).

محمود افشار (۱۳۸۰) در دیباچه افغان‌نامه با اشاره به اشتراکات زبان فارسی در ایران و افغانستان، برتری آن را بر سایر زبان‌های محلی منطقه مبتنی بر پیشینه علمی، ادبی و فرهنگی اظهار داشته است (4). فرهنگ و تمدن ایرانی با افغانستان پیوندی قوی دارد لذا گرچه مردم ایران و افغانستان امروز در دو کشور با مرزهای سیاسی جداگانه زندگی می‌کنند اما ملتی یگانه‌اند و میراث فرهنگی مشترک آنها یادگار چند هزار ساله نیاکانشان می‌باشد (5). البته گونه فارسی افغانستان در این قرن‌ها بیش از هر وقت دیگر بنابر فراز و نشیب‌های سیاسی این منطقه در معرض تأثیر زبان‌های دیگری همچون عربی، ترکی، انگلیسی، روسی، پشتو و اردو قرار گرفته است.

نخستین اثری که در زبان فارسی فعل مرکب را شناسایی و به این نام معرفی کرد، منهاج‌الطلب (6) بود که به سال ۱۰۷۰ هـ ق تألیف شد و نشان‌دهنده سابقه بحث و تحقیق در این باب است. از آن زمان تاکنون، تحلیل‌های صرفی، نحوی و معنایی در باب فعل مرکب و اجزا آن از دیدگاه‌ها و در چارچوب‌های مختلف نظری از حیث ترکیب‌پذیری، جدایی‌پذیری، ساخت موضوعی و... انجام گرفته است. هر یک از این تحلیل‌ها تعاریف و مصادیق گوناگونی برای مفهوم فعل مرکب ارائه داده‌اند؛ تا جایی که تنوع مصداق‌های این ساخت پرکاربرد از دید پژوهشگران نیز طیف وسیعی را در بر گرفته است (7).

دبیرمقدم (۱۳۷۶) در مقاله خود به تحلیل فعل مرکب که طی دو فرایند ترکیب یا انضمام به دست می‌آیند می‌پردازد. او فعلی را که ساختمان واژی آن بسیط نیست و از پیوند یک سازه غیر فعلی مانند اسم، صفت، اسم مفعول، گروه حرف اضافه‌ای، یا یک قید با یک سازه فعلی تشکیل شده باشد را مرکب می‌داند. فعل‌های

ساده‌ای که طی فرایند ترکیب به فعل مرکب تبدیل می‌شوند زمانی که به تنهایی به کار برده می‌شوند متعدی هستند، اما فعل‌های مرکبی که بر مبنای آنها ساخته می‌شوند ممکن است متعدی یا لازم باشند. بعضی از افعال ساده‌ای که در تشکیل فعل مرکب شرکت دارند دارای گونه‌های سبکی نیز هستند که به نوبه خود به غنی شدن گنجینه افعال مرکب زبان فارسی کمک کرده‌اند. جایگزین‌پذیری گردیدن با شدن (ارسال شدن و ارسال گردیدن)، کردن با نمودن (سعی کردن و سعی نمودن)، کردن با فرمودن (مانند مطالعه کردن و مطالعه نمودن) از جمله مواردی هست که به آن اشاره شده است (8).

از سویی حاصل فرایند انضمام مفعول صریح به فعل، همراه با حذف نشانه‌های دستوری وابسته به مفعول صریح (مانند را، حرف تعریف نکره «ی»، نشانه جمع، ضمیر ملکی متصل، ضمیر اشاره) فعل مرکب انضمامی می‌باشد. مانند: مادر دارو را به بچه داد. (ب) مادر به بچه دارو داد. اسم انضمام یافته حالت دستوری ندارد. برون‌داد فرایند انضمام، فعلی لازم است و از نظر معنایی فعل مرکب انضمامی یک کل و یک واحد معنایی می‌باشد. سازه اسمی فعل مرکب حاصل از فرایند انضمام غیرارجاعی می‌باشد.

از نظر دبیرمقدم (۱۳۷۶) انضمام ساخت موضوعی فعل را دگرگون می‌کند. مفعول انضمام یافته، غیرارجاعی و اسم جنس است و تنها سیطره معنایی فعل را محدود می‌کند. انضمام و ترکیب حاصل دو فرایند مجزا هستند، به عبارتی انضمام فرایندی نحوی و ترکیب فرایندی صرفی می‌باشد. فعل بعد از انضمام شفافیت معنایی خود را از دست نمی‌دهد. افعال مرکبی که حاصل فرایند انضمام هستند بدون استثنا لازم‌اند. تشکیل فعل مرکب از طریق انضمام زیاست. وی با تکیه برشواهد واجی، نحوی و معنایی نشان می‌دهد که بین فعل مرکب و فعل ساده تفاوت وجود دارد.

پیشینه پژوهش

در این بخش به تفکیک، پژوهش‌های خارجی و داخلی مرتبط به همراه اهم مطالعات مربوط به فارسی افغانستان مرور می‌شود. راجع به افعال مرکب در زبان‌های مختلف پژوهش‌هایی توسط دستورنویسان و زبان‌شناسان با علایق نظری متفاوت صورت گرفته است ولی در حد اطلاعات پژوهشگران، مطالعه تطبیقی از این حیث بین گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران صورت نگرفته است. در کنار محدود آثاری چون کروبر (۱۹۰۹)، سایپر (۱۹۱۱)، میتون (۱۹۸۴)، بیکر (۱۹۸۸)، روزن (۱۹۸۹)، اسپنسر (۱۹۹۵)، مگردومیان (۲۰۰۱)، فامیلی (۲۰۰۶)، ویندفر (۲۰۰۹)، چانکالینی (۲۰۱۱)، کرن (۲۰۱۳) که به توصیف افعال مرکب در صحنه جهانی پرداخته‌اند، خوشبختانه در ایران آثار متعددی به بررسی ویژگی‌های این فعل در زبان فارسی اختصاص یافته که اهم آن‌ها ذیلاً معرفی شده‌اند (5-1, 59-7).

در مورد فارسی افغانستان گرچه مطالعاتی به‌طور ویژه راجع به فعل مرکب نبود ولی بعضاً پژوهش‌های دستوری چندی به انجام رسیده که به برخی از اهم آن‌ها ذیلاً اشاره می‌شود:

(7, 10, 11, 32-57)

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر به بررسی و مقایسه تنوعات ساخت افعال ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان با فارسی ایران به روش میدانی- کتابخانه‌ای پرداخته و برای مزید اطمینان، آثار مرتبطی که گویش-های فارسی افغانستان را مطالعه کرده‌اند، مورد بازبینی قرار گرفته است. در حد اطلاعات نویسندگان تاکنون نقشه گویشی که در آن مرزهای گویش‌های فارسی افغانستان مشخص شده باشد، وجود ندارد. برای امکان این بررسی تطبیقی، داده‌های مورد نیاز از طریق مصاحبه و همچنین مشاهده مستقیم، استخراج و سپس در پنج دسته همراه با ارائه نمونه‌های واژگانی متنوع طبقه‌بندی شدند. در نهایت، نمونه‌ها همراه با کاربرد برخی از آنها در قالب جمله با الگوی بین‌المللی آوانویسی IPA ثبت شدند. تعداد گویشوران از

این گونه زبانی ۶ دانشجوی افغانستانی فارسی زبان از واحد بین-الملل دانشگاه بیرجند با میانگین سن ۳۰ سال در دو گونه جنسیتی بوده‌اند.

تحلیل داده‌ها

وقتی یکی از اجزای کلمه مرکب، فعل باشد، کلمه حاصل را مرکب ثانویه یا فعلی می‌نامند (49). تعداد فعل‌های ساده در زبان فارسی نو (نوشتاری و گفتاری) بسیار اندک است و تمایل غالب این زبان، ساختن فعل‌های ترکیبی است. این تمایل از دوره میانه در فارسی مشهود است. در دوره نو نیز فعل‌های ساده‌ای که بر مبنای صورت‌های قرضی عربی در فارسی ساخته شده‌اند (مانند فهمیدن، بلعیدن) بسیار محدودند و صورت‌های قرضی تازه از زبان‌های

غربی نیز هنگامی که به عنوان فعل به کار می‌روند (مثل فاکس کردن/ زدن، دوش گرفتن) غالباً مرکب‌اند (8).
ذیلاً فعل‌های ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران مورد بررسی تطبیقی واقع شده‌اند.

افعال مرکب فارسی معیار با همکرد مشابه در گونه‌های فارسی افغانستان

در گویش‌های فارسی افغانستان، تعداد فعل‌های ساده در قیاس با فارسی معیار بیشتر است. در این گویش‌ها گاه با فعل‌های ترکیبی مواجه می‌شویم که در فارسی معیار نیز همکرد مشابه دارند. ذیلاً نمونه‌هایی به همراه کارکرد جمله‌ای آن‌ها ارائه می‌شود.

جدول ۱. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با همکرد مشابه در فارسی معیار

فارسی معیار	فارسی افغانستان	فارسی معیار	فارسی افغانستان
آماده کردن	/tɪjɑr kæd-æn/	اعتماد کردن	/ʔetemɑd kæd-æn/
اتو کردن	/ʔotu kæd-æn/	بال زدن	/bɑl zædæn/
بزرگ کردن	/kælan kæd-æn/	پاره کردن	/pɑre kæd-æn/
پس‌انداز کردن	/pɪs-æ ʔændɑz kæd-æn/	پیاده شدن	/tæ ʃo-d-æn/
پیدا کردن	/pɪræ kæd-æn/, /tæsbɪt kæd-æn/, /sæjl kæd-æn/	تصادف کردن	/tækær kæd-æn/
تصویر کردن	/suræt kæd-æn/	تعریف کردن	/qesse kæd-æn /
تمام کردن	/tæmɑm kæd-æn/	جستجو کردن	/soraq kæd-æn/
جلوگیری کردن	/qælæt kæd-æn/	خوش کردن	/xof kæd-æn/
دعا کردن	/doʔɑ kæd-æn/	راه رفتن	/rah ræft-æn/
رد شدن	/tɪr ʃo-d-æn/	زندگی کردن	/zende-gɪ kæd-æn/
سوال کردن	/pɔrs-o pɑl kæd-æn/	شکافته شدن	/ʃeq ʃo-d-æn/
شکست دادن	/mɑt dɑd-æn/	عروسی گرفتن	/ʔɑrus-i gereft-æn/
فریب دادن	/qælæt dɑd-æ(n)/	فرورفتن	/gɪr ræft-æ(n)/
قضاوت کردن	/qezawæt kæd-æn/	قیافه گرفتن	/poz gereft-æn/
قیمت کردن	/qejmæt kæd-æn/	کار کردن	/kɑr kæd-æn/
کمک کردن	/komæk kærd-æn	کوتاه آمدن	/kæm ʔɑmæd-æn/, /gɔl ʃo-d-æn/
گریه کردن	/gerj-an kæd-æn/	مرتب کردن	/dʒɪr kæd-æn/
نگاه کردن	/sæjl kæd-æn/	یاد آمدن	/jɑd ɑmæd-æn/
یادآوری کردن	/jɑd-awær-i kæd-æn/		

/ʔæz ma-bæjn-e deræxt-a tir fo-d-æn/ از بین درختان رد شدند
 /ʔæz pohæntun roxsæt-e ma kæd-æn/ از دانشگاه ما را تعطیل کردند
 /piʃ ʔæz-i ke ʔæz xane bær-ʔa-jom kol-e ʃiz-a ræ tijar
 kæd-om/ پیش از اینکه از خانه بیرون بیایم کل چیزها را مرتب کردم
 /to tæ ʃo/ تو پیاده شو
 /to jæk tikke ræ xof ku/ تو یک پارچه را انتخاب کن
 /xoda bæʃi-tæ bær-et kælan kon-æ/ خدا بچه‌ات را برایت بزرگ کند
 /yæk doxtær-e xord gerj-an mi-kæd/ دختر کوچکی گریه می‌کرد
 /sima ʔæm ʔestæke fir mej-dad-o ʔæm dig-o-kase dʒur mej-kæd/
 سیمما هم بچه شیر می‌داد هم ظرف‌ها را مرتب می‌کرد
 /ʃima pors-o-pal mi-kæd ke ʃera be mæjman-i næj-mi-ri/
 شیمما سؤال می‌کرد که چرا به مهمانی نمی‌روی
 /ʔæziz-e xod-e del-ʔasa-ji me-dad/ عزیزه خودش را دل‌داری می‌داد
 /kitab-æ xælas kæd-om/ کتاب را تمام کردم
 /ʃælpasæ tottæ kæd/ مارمولک فرار کرد
 /ma se bæradær tæræf-e jæk-digæ sæjl kæd-em/
 ما سه برادر سمت همدیگر نگاه کردیم
 /ma sæjl kæd-em/ ما نگاه کردیم
 /næfis-e dʒur-pors-an-i wo xof-ʔamæd-gu-ji kæd/
 نفیسه با مهمانان احوالپرسی و خوش-
 آمدگویی کرد

های متنوعی از آنها در گونه فارسی افغانستان همراه با کارکرد
 جمله‌ای آشنا می‌شویم.

افعال مرکب فارسی معیار با همکرد متفاوت در گونه‌های فارسی

افغانستان

در گویش‌های فارسی افغانستان با فعل‌های ترکیبی مواجه می‌شویم
 که در فارسی معیار همکرد متفاوتی دارند. در این بخش با نمونه-

جدول ۲. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با همکرد متفاوت در فارسی معیار

فارسی معیار	فارسی افغانستان	فارسی معیار	فارسی افغانستان
آشنا کردن	/ʔafna saxt-æn/	اثر کردن، تأثیر کردن	/ʔæsær ʔændaxt-æn/
انتقال یافتن	/ʔenteqal xor-d-æn/	انگشت زدن	/ʃæst kæd-æn/
به ثمر رسیدن	/sæmær bæst-æn/	به یاد آوردن	/be jad dad-æn/
بیرون انداختن	/dur kæd-æn/	بیل زدن	/bil kæd-æn/

/paf dad-æn/	تراوش کردن	/fir-qælt zæd-æn/, /gul ʔændaxt-æn/	تجاهل کردن
/guʃ-mal kæf-id-æn/	تنبيه شدن	/fæjsælæ kæd-æn/	تصميم گرفتن
/gæp dad-æn/	حرف زدن	/piʃ ʃo-d-æn/	جلوافتادن، پيش افتادن
/ʔob ʔæfgænd-æn/	خاموش شدن	/ræwan ʃo-d-æn/	حرکت کردن
/dæst gereft-æn/	دست کشیدن	/mandæ-g-i bud-æn/, /woqu daft-æn/	داير کردن
/gom-pær ʃo-d-æn/, /rah zæd-æn/, /mænzel zæd-æn/	راه رفتن	/kæm zæd-æn/	دست کم گرفتن
/bæʃfæ pær taft-æn/	سقط کردن	/ʔitab jaft-æn/	سرزنش دیدن
/kæf kæd-æ(n)/	شکافته شدن	/ʃært zæd-æ(n)/	شرط بستن
/qælæt kæd-æn/	عودت دادن	/ʃikæst gereft-æn/	شکست خوردن / دادن
/bægil kæd-æn/, /ʃfæt kæd-æn/, /zir gereft-æn/	فراری دادن	/ʃikū daft-æn/	فايده و تأثیربخشیدن
/ʃækæ kæd-æn/, /kuf kæd-æn/, /lær kæd-æn/	فرورفتن و فروریختن	/pæst-i girift-æn/	فروآمدن
/sær xor-d-æn/, /dʒa zæd-æn/, /hoqnæ kæf-id-æn/	فريب دادن	/seda keʃ-id-æn/, qēq kæf-id-æn/	فريادزدن، کمک خواستن
/fær kænd-æn/	کندن جوی	/qæbul-dar ʃo-d-æn/	قبول کردن
/gir-e bæst-æn/	گروه زدن	/qoræ goft-æn/	کوتاه آمدن، راضي شدن
/goʃ gerift-æn/	گوش کردن	/gom ʔændaxt-æn/	گم شدن
pæriʃ-an saxt-æn//	مضطرب کردن	/ʃuql gereft-æn/	مشغول شدن
/nam gereft-æn/	نام بردن	/xæfe saxt-æn/	ناراحت کردن
/læfz kæd-æn, wædæ man-d-æn/	وعده دادن	/næmaz kæd-æn/	نماز خواندن
/ʃur dad-æn/	هم زدن	/ʔamade-gi gereft-æn, /ʔæjar saxt-æn/	همت کردن

ʌ/ba mutær be tæræf-e dæftær ræwan ʃo-d-om/

ماشین به طرف دفتر حرکت کردم،

/xod-æt gæp de/

‘خودت حرف بزن’

‘فرش قبلی را بیرون انداختم’/færʃ-e sabeq-Q ræ dur kæd-æm/

/ʃæmʃæme ræ gereft-e ʃur bæ-t-i/
 'قاشق را بگیر و هم بز'

/kar-a-je madær-æm xod-ef-e xæfe mi-saz-æ/
 'کارهای'

مادرم خودش را هم ناراحت می‌کند'

افعال مرکب فارسی معیار که در گونه‌های فارسی افغانستان به شکل فعل ساده ظاهر می‌شوند. این حیث گروه ویژه‌ای از افعال را تشکیل داده که ذیلاً نمونه‌هایی از آنها همراه با کارکرد جمله‌ای معرفی می‌شوند.

در فارسی معیار نمونه‌های چندی از افعال ترکیبی وجود دارد که در گونه فارسی افغانستان به صورت فعل ساده ارائه می‌شوند و از

جدول ۳. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی معیار با تجلی فعل ساده در فارسی افغانستان

فارسی معیار	فارسی افغانستان	فارسی معیار	فارسی افغانستان
آب شدن	/gudaz-id-æn/	اتراق کردن، اقامت کردن	/ʔist-ad-æn/
ادرار کردن	/bæwl-id-æn/	آرایش کردن	/ʔaro-st-æn, ʔamud-æn/
آشکار کردن	/pærif-id-æ(n)/	آغاز کردن	/ʔaqoz-id-æ(n)/
افسرد شدن	/pæʒmur-id-æn/	آه کشیدن	/ʔoh-id-æn/
بار گذاشتن	/pæz-on-id-æn/, /pæz-id-æn/	بالا بردن	/færaz-id-æn/
بانگ و فریاد زدن	/qirew-id-æn/	بریان کردن	/birift-æn/
بلند شدن	/xist-æn/	به بازی گرفتن، بازی کردن	/bazi-d-æn/
بهره‌مند گردانیدن	/næsib-id-æn/	پاره شدن بر اثر برخورد با سنگ	/kæf-id-æn/
پاره کردن / شدن	/sigost-æn/, /bær dærid-æn/	پراکنده ساختن	/pærif-id-æn/
پرتاب کردن	/pærtab-id-æn/	پلو خوردن	/pælæw-id-æn/
پناه بردن	/pænoh-id-æn/	پیدا کردن	/jab-id-æn, jaf-id-æn/
تراوش کردن	/pæʃændʒ-id-æn/, /zæh-id-æn/	تربیت کردن	/ʔamuxt-an-d-æn/, /ʔamuz-an-d-æn/, /pærwær-id-æn/
تعجب کردن	/ʃigift-id-æn/	جدا کردن	/ʃikæn-id-æn/
جلا و روشنی داشتن	/dʒæl-id-æn/	چاره جویی کردن	/ʃærw-id-æn/
حساب کردن	/ʔamor-d-æn/	حمله کردن	/giraj-d-æn/
حیران ماندن	/hoʒu-ʔid-æn/	خاموش شدن	/ræft-æn/
خبر دادن	/ʔagah-on-id-æn/, /ʔagah-id-æn/	خجالت کشیدن، ذوب شدن	/ʃærm-id-æn/
خرج کردن، صرف کردن	/xærdʒ-id-æn/	خشمگین شدن	/tund-id-æn/
خوشحال شدن	/pedrom-id-æn/	دوری کردن، حذر کردن	/pærhez-id-æn/
ذخیره کردن	/ʔænduz-id-æn/	رنده کردن	/rænd-id-æn/

/ref-id-æn/	زخمی شدن	/ræwon-d-æn/, /gæraj-æn-d-æn/	روانه کردن
/foj-id-æn/	شایسته و سزاوار بودن	/plæw-id-æn/	سوختن، سوزاندن
/ʃeft-æn/	شیداشدن	/dærz-an-d-æn/, /kæf-an-d-æn/, /figof-id-æn/	شکافته شدن
/ʔafub-id-æn/	فته برانگیختن	/fikib-id-æn/	صبر و تحمل کردن
/qut-id-æn/	فرورفتن و فروریختن	/gorixt-an-d-æn/, /wæhm-on-d-æn/	فراری دادن
/fekæst-an-d-æn/	کوتاه کردن	/fireb-id-æn/	فریب دادن
/gæræw-id-æn/	گرو دادن	/kuʃ-id-æn/	کوچ کردن
/næfrid-æn/	نفرین کردن	/gumon-id-æn/	گمان داشتن
/wæræm-id-æn/	ورم و آماس کردن	/nigar-id-æn	نقش کردن، رسم کردن
ʔamad-æn	همت کردن	/sæxt-æn/, /sændʒ-id-æn/	وزن کردن

/ʔæz sær-e kowʃ xist-o be daliz ræft/

روی مبل بلند شد و به هال رفت

/bæ-

griz/

فرار کن

/mej-ʃærm-om/

خنجالت می کشم

/ne-mej-fam-om ʃera zud xist-o ræft/

چرا زود برخاست و رفت

می آید. ذیلاً نمونه‌هایی از این گروه به همراه کارکرد جمله‌ای آن‌ها ارائه می‌شود.

افعال ساده فارسی معیار که در گونه‌های فارسی افغانستان به

شکل فعل مرکب ظاهر می‌شوند

از سویی افعال ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که

معادل آن‌ها در گویش‌های فارسی افغانستان به صورت فعل ترکیبی

جدول ۴. نمونه‌هایی از فعل‌های ترکیبی فارسی افغانستان با تجلی فعل ساده در فارسی معیار

فارسی معیار	فارسی افغانستان
ایستادن	/ʔest-ad ʃo-d-æn/
بستن (در و پنجره)	/pot gereft-an/, /puʃ kæd-æn/, /bæst-æ kæd-æn/
پاشیدن	/paʃ dad-æn/
پختن	/poxt-æ kæd-æn/, /bar kæd-æn/, /bærabær kæd-æn/

/qæbul-dar fo-d-æn/	پذیرفتن
/pors-an kæd-æn/	پرسیدن
/xænd-e kæd-æn/	خندیدن
/xow kæd-æn/	خوابیدن
/gom-pær fo-d-æn/, /rah zæd-æn/, /mænzæl zæd-æn/	رفتن
/suz kæd-æn/, /fuʔlæ dad-æn/	سوختن
/pæhlu xor-d-æn/, /guj xor-d-æn/, /lul-an fo-d-æn/, /læm dad-æn/, /lær kæd-æn/, /lot dad-æn/	غلتیدن
/kaw kæd-æn/, /naxun-æk kæd-æn/	کاویدن
/kub dad-æn, kombæ zæd-æn/	کوبیدن
/xæbær kæd-æn/	گفتن
/neweft-e kæd-æn/	نوشتن
/puræ kæd-æn, tæsbit kæd-æn, sæjl kæd-æn/	یافتن، دیدن

/ʔi særwær zabet bazi-ra baxt dad-e bud/ 'این سرور گروهبان، بازی را باخته بود'

/ræwan ku/ 'بفرست'

/pors-an kæd ke mej-ʔaj-ēd ja næ/ 'پرسید که می‌آید یا نه'

/tiztiz rah zæd-æn bix-i næfæs-e me qæjd mej-kon-e/ 'تندتند رفتن نفسم را می‌گیرد'

/darwazæ ræ bæst-e ku/ 'در رو ببند'

/ru-be-ru-je me ʔist-ad fo/ 'روبه‌روی من بایست'

/sare xane ʔamæd-o nan xor-d-o ʔaram xow kæd/ 'ساره خانه آمد و غذا خورد و آرام خوابید'

/nan poxt-e kæd-æn/ 'غذا پختند'

/hæme gorix kæd-æn/ 'همه گریختند'

پیشوندی می‌آید. ذیلاً نمونه‌هایی از این گروه همراه با کارکرد جمله‌ای ارائه می‌شود.

افعال پیشوندی در گونه‌های فارسی افغانستان که در فارسی معیار ترکیبی یا ساده است

افعال ترکیبی یا ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که معادل آنها در گویش‌های فارسی افغانستان به صورت فعل

/ʔæz xejr-et dærwazæ ræ pif mi-kon-i/

می‌شود لطفاً در را ببندی

ʔæmi ræqæm mi-dær-ʔaj-e/

این شکل وارد می‌شود

/dæ

mæjdan

dær-ʔaj/

به میدان وارد شو

/mædʒles xælas ʃo-d-o mærd-a bær-ʔamæd-ænd-o ræft-æn/

جلسه تمام شد و مردها بیرون آمدند و رفتند

xane-jæ-ʃan dær girif-æ/

آنها آتش گرفته است

ʃefmæ-jæ ʔæw-war-i duq mi-wær-ʔa-jæ/

چشمه آب، دوغ خارج می‌شود

نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی فعل ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان و فارسی معیار ایران، نشان داد که تفاوت‌های جالب توجهی میان ساخت فعل مرکب در این دو گونه زبانی وجود دارد. داده‌های گردآوری شده در پنج دسته قابل تقسیم هستند.

نخست، برخی افعال مرکب فارسی معیار که همکرد آن‌ها با نمونه‌های متناظر از گونه‌های فارسی افغانستان مشابه است. از سویی، افعال مرکب دیگری در فارسی معیار هستند که همکرد آن‌ها در گونه‌های فارسی افغانستان متفاوت است. به علاوه، برخی افعال مرکب فارسی معیار در گونه‌های فارسی افغانستان به شکل فعل ساده ظاهر می‌شوند. از سویی افعال ساده چندی در زبان فارسی معیار وجود دارند که معادل آن‌ها در گویش‌های فارسی افغانستان Persian and Standard Iranian Persian. Compound verbs have been one of the most productive and controversial constructions in Persian linguistics, attracting sustained attention from morphological, syntactic, and semantic frameworks. Scholars have

به صورت فعل ترکیبی می‌آید. در نهایت افعال پیشوندی در گونه‌های فارسی افغانستان بوده که در فارسی معیار، به شکل ترکیبی یا ساده نمایان هستند. این قبیل تفاوت‌های گویشی و نه لهجه‌ای در کنار برخی اشتراکات دستوری و واژگانی، بعضی ساخت‌های نوآورانه را در فعل ترکیبی در گونه‌های فارسی افغانستان نمایان می‌سازد که علی‌القاعده برای نهادهای سیاست‌گذاری چون فرهنگستان زبان و ادب فارسی جالب توجه و کاربردی به نظر می‌رسد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The study addresses the long standing theoretical and descriptive debate surrounding the status, definition, and internal structure of compound verbs in Persian by adopting a comparative perspective between Afghan

disagreed on whether compound verbs should be treated as lexical units, syntactic constructions, or outcomes of distinct processes such as compounding and incorporation. Within the historical and sociolinguistic continuum of Persian, the varieties spoken in Iran and Afghanistan share a common core yet display notable divergences shaped by geography, political history, language contact, and internal innovation. The Persian language historically expanded across a vast cultural territory and evolved into several regional varieties that retained structural unity while developing distinct lexical and grammatical preferences (1, 2). Afghan Persian, also referred to as Dari Persian, has remained particularly conservative in some domains while simultaneously exhibiting extensive contact induced change due to sustained interaction with Arabic, Turkic languages, Pashto, Urdu, English, and Russian. These dynamics make the comparison of compound verb constructions in Afghan Persian and Standard Iranian Persian especially relevant for understanding variation within a shared grammatical system (3-5). By focusing on compound verbs, which constitute a central mechanism of verbal expansion in Persian, the study situates itself at the intersection of descriptive linguistics, typology, and Persian dialectology.

From a theoretical standpoint, the research draws on a substantial body of prior scholarship on compound verbs in Persian

and other languages. Early grammatical works already recognized the existence of multi component verbal constructions, while modern linguistic analyses have attempted to formalize their properties. One influential account distinguishes between compound verbs formed through morphological compounding and those resulting from syntactic incorporation or annexation, arguing that these processes have distinct formal and semantic consequences (6, 8). In this view, compound verbs consist of a non verbal element such as a noun, adjective, participle, or prepositional group combined with a light verb, typically *kardan*, *zadan*, *shodan*, *dadan*, or *gereftan*. The annexation process, in particular, alters argument structure by absorbing a direct object and yielding an intransitive predicate whose nominal component loses referentiality while restricting the semantic domain of the verb (8). Other scholars have emphasized the productivity, semantic transparency, and syntactic behavior of compound verbs, noting that Persian shows a strong diachronic tendency toward replacing simple verbs with compound constructions, especially when borrowing lexical material from Arabic or Western languages (7). Cross linguistic studies on compound verbs and complex predicates further provide a comparative backdrop for situating Persian within a broader typological landscape (9-12, 14, 15, 51).

Methodologically, the study adopts a field based and library based mixed approach designed to capture authentic usage patterns

in Afghan Persian while ensuring analytical rigor through comparison with documented descriptions of Standard Iranian Persian. Primary data were collected through semi structured interviews and direct observation of six Afghan Persian speaking university students studying at the International Campus of the University of Birjand. The participants, representing both genders with an average age of approximately thirty years, provided naturally occurring linguistic data reflecting their active competence in Afghan Persian. Given the absence of a comprehensive dialect atlas for Afghan Persian, the study relied on careful elicitation and verification of forms across speakers, supplemented by a review of relevant grammatical and descriptive studies on Afghan Persian varieties. The collected data were systematically classified into five major categories based on the correspondence between compound and simple verbs across the two varieties. Lexical items were analyzed in context, and representative examples were transcribed using the International Phonetic Alphabet to ensure phonological precision and cross varietal comparability. This methodological design allowed for a fine grained comparison of structural patterns rather than isolated lexical equivalences, aligning the study with contemporary variationist and descriptive linguistic standards (39, 41, 49).

The analysis reveals several recurrent patterns that highlight both convergence and divergence between Afghan Persian and

Standard Iranian Persian. In the first category, numerous compound verbs appear in both varieties with the same light verb and comparable semantic scope, indicating a shared core inventory of compound constructions. These cases underscore the deep structural continuity between the two varieties despite surface level differences. In the second category, compound verbs in Afghan Persian correspond to compound verbs in Standard Iranian Persian but employ different light verbs or nominal elements, resulting in formally distinct yet functionally equivalent predicates. Such variation illustrates the flexibility of the Persian compound verb system and its capacity for internal reorganization without semantic loss. A third pattern involves compound verbs in Standard Iranian Persian that correspond to simple verbs in Afghan Persian, suggesting that Afghan Persian has preserved or developed simplex verbal forms where Iranian Persian favors analytic constructions. Conversely, the fourth category includes simple verbs in Standard Iranian Persian whose Afghan Persian equivalents are realized as compound verbs, reflecting divergent strategies of verbal lexicalization across the two varieties. Finally, the analysis identifies a set of prefixed verbs in Afghan Persian that correspond to either compound or simple verbs in Standard Iranian Persian, highlighting the role of verbal prefixation as an alternative means of encoding aspectual or directional meaning (8, 13, 33, 37).

These findings have important implications for theories of compound verb formation and for the description of Persian varieties. The observed patterns confirm that compound verb formation in Persian is not governed by a single uniform mechanism but rather involves multiple interacting processes whose relative prominence may vary across regional varieties. Afghan Persian emerges as a variety that combines a relatively rich inventory of simple verbs with productive compound and prefixed constructions, challenging the assumption that Persian universally favors compound verbs over simplex predicates. At the same time, the extensive overlap between the two varieties supports the view that they constitute regional realizations of a single grammatical system rather than fundamentally distinct languages. The results also contribute to ongoing discussions about the boundaries between morphology and syntax in Persian, particularly regarding the status of annexation and the degree of lexicalization in compound verbs (7, 8, 32). From an applied perspective, the documented variation may be of interest to language planners, lexicographers, and institutions concerned with standardization and cross regional intelligibility, such as language academies and educational authorities.

In conclusion, the comparative examination of compound verbs in Afghan Persian and Standard Iranian Persian demonstrates that systematic variation in verbal constructions reflects broader historical, sociolinguistic, and

structural factors rather than random divergence. The study shows that differences between the two varieties can be classified into a limited number of recurrent patterns involving shared compound verbs, divergent compound formations, alternations between compound and simple verbs, and the use of prefixed verbs. These patterns reveal both the unity and diversity of Persian as a pluricentric language and underscore the importance of incorporating regional varieties into general linguistic theory and description. By providing empirically grounded evidence from Afghan Persian, the research contributes to a more comprehensive understanding of Persian verb structure and highlights the value of comparative intralinguistic analysis for capturing the full range of grammatical possibilities within a single language system.

References

1. Ashuri D. Rethinking the Persian Language (Ten Essays). 2 ed. Tehran: Markaz Publishing; 1996.
2. Bahar MT. The History of Sistan. Tehran: Zavar; 2009.
3. Ma'il Heravi N. History and Language in Afghanistan. 2 ed. Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Publications; 1992.
4. Afshar M. Afghan-Nameh. 2 ed. Tehran: Mahmoud Afshar Endowment Publications; 2003.
5. Anousheh H. Encyclopedia of Persian Literature. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2002.
6. Zahedi K. The Structure of Compound Verbs in Modern Persian: A Minimalist Approach [PhD Dissertation, Linguistics]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2002.
7. Monshizadeh M. The Never-Ending Story of the "Compound Verb": An Introduction to the Conceptualization and Terminology of Non-Simple Verbs in Persian. Linguistic Researches. 2021;13(2):217-36.

8. Dabir-Moghaddam M. Compound Verbs in Persian. Studies in Persian Linguistics. Tehran: University Publishing Center; 1997. p. 149-99.
9. Ciancaglini C. The Formation of the Periphrastic Verbs in Persian and Neighbouring Languages. In: Maggi M, Orsatti P, editors. The Persian Language in History. Wiesbaden: Reichert; 2011. p. 3-21.
10. Mithun M. The Evolution of Noun Incorporation. Language. 1984;60:847-94.
11. Rosen S. Two Types of Noun Incorporation. Language. 1989;65:294-317.
12. Korn A. Looking for the Middle Way: Voice and Transitivity in Complex Predicates in Iranian. Lingua. 2013;135:30-55.
13. Family N. Exploration of Semantic Space: The Case of Light Verb Construction in Persian [PhD Dissertation]. Paris: École des Hautes Études en Sciences Sociales; 2006.
14. Windfuhr G, Perry JR. Persian and Tajik. In: Windfuhr G, editor. The Iranian Languages. London: Routledge; 2009. p. 416-544.
15. Baker MC. Incorporation: A Theory of Grammatical Function Changing. Chicago: University of Chicago Press; 1988.
16. Abdolkarimi S. Lexico-Semantic Constraints on Deriving a Compound Verb from a Corresponding Simple Verb and a Simple Verb from a Corresponding Compound Verb in Standard Persian: A Cognitive Approach [PhD Dissertation, Linguistics]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2011.
17. Azgoli B. Conceptualization of Motion in Persian Compound Verbs: A Cognitive Approach. Studies of Languages and Dialects of Western Iran. 2021;10(39):1-20.
18. Azizi K. A Study of the Linguistic Variety of Herati in the Book "A Part of an Ancient Persian Commentary (Tafsir)" [MA Thesis, Persian Language and Literature]. Tehran: Tarbiat Modares University; 2020.
19. Baradaran B. The Role of Lexicalization and Grammaticalization in the Formation of Persian Compound Verbs [MA Thesis, Linguistics]. Birjand: University of Birjand; 2012.
20. Barjasteh D. Morphology, Syntax and Semantics of Persian Compound Verbs: A Lexicalist Approach [PhD Dissertation]. Urbana: University of Illinois; 1983.
21. Barzegar H. Lexical Aspect in Compound Verbs Derived from Nouns in Persian. Journal of Linguistics and Khorasan Dialects. 2021(25):165-92.
22. Bashiri I. Persian Syntax. Minneapolis: Burgess Publishing Company; 1981.
23. Behnamfar M, Ebrahimzadeh M. Pathology of Describing Compound Verbs in Persian Grammar Textbooks. Literary Techniques. 2018(23):1-21.
24. Haqbin F. Analysis of Lexical Verb Structures in Persian Based on Extended Standard Theory [MA Thesis, Linguistics]. Tehran: University of Tehran; 1991.
25. Hosseini SMD. A Description of the Kabul Dari Persian Dialect [MA Thesis, Persian Language and Literature]. Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad; 2006.
26. Hosseinirad S. Prepositional Compound Verbs in Persian [MA Thesis, Linguistics]. Tehran: Allameh Tabataba'i University; 2014.
27. Hosseinpanahi F. Word Formation and the Problem of Producing Verbal Constructions in Contemporary Persian. Shahryar-Pajouhi. 2021;8(31):221-36.
28. Khayampour A. Persian Grammar. 5 ed. Tabriz: Tehran Bookstore Publications; 1965.
29. Khoeini E. Notes on the Persian Compound Verb. Research in Mystical Literature. 2010;4(2):45-58.
30. Khoshdouni Farahani A. Compound Verb: Light or Heavy? Linguistic Researches. 2016;8(14):17-36.
31. Krober A, editor Noun Incorporation in American Languages. Proceedings of the XVI International Congress of Americanists; 1909; Vienna: Hartleben.
32. Megerdooian K. Event Structure and Complex Predicates in Persian. Canadian Journal of Linguistics. 2001;46(1/2):97-125.
33. Mehravaran M. Corpus-Based Analysis of Compound Verbs in Persian. Applied Language Inquiry. 2023;7(15):83-105.
34. Naseh MA. Diversity of Verb Constructions in Kabul, Herat, and Hazaragi Persian Varieties of Afghanistan. Iranian Linguistics and Dialects. 2023;8(2):239-65.
35. Natel Khanlari P. History of the Persian Language. Tehran: Nashr-e Now; 1986.
36. Natel Khanlari P. Historical Grammar of the Persian Language. Mostasharnia E, editor. Tehran: Toos; 1994.
37. Nazari R. A Comparison and Analysis of Grammarians' Views on the Compound Verb. Shahryar-Pajouhi. 2021;8(31):297-306.
38. Negahat Saeedi MN. Contemporary Grammar of Dari. Kabul: Amiri; 2013.
39. Rahimi SM, Ghobadi Kia A. A Critique of the Historical Development of Persian Compound Verb Structure in Major Linguistics and Persian Grammar Books. Literary Studies. 2017;14(55):61-88.

40. Rahin R. The Story of the Dari Persian Language. Tehran: Alhoda International Publications; 2009.
41. Rasekh Mohand M. Why Does Persian Not Create Simple Verbs? Comparative Linguistics Research. 2025;15(29):6-38.
42. Rostampour Z. A Study of Compound Verbs in Persian [MA Thesis, Linguistics]. Tehran: University of Tehran; 1980.
43. Sana Ghaznavi MA. Dari Grammar. Kabul: Andisheh Publications; 2015.
44. Sapir E. The Problem of Noun Incorporation in American Languages. American Anthropologist. 1911;13:259-82.
45. Sasani F. Is Incorporation and Compounding in the Persian Verb Justifiable? Proceedings of the Third Morphology Symposium 2011. p. 81-106.
46. Shahbazi A. Critique of Traditional and Modern Studies on Compound Verbs in Persian. Research in Teaching Persian Language and Literature. 2019;1(3):81-105.
47. Shahi R. Polysemy Analysis of Persian Compound Verbs within Construction Morphology: A Case Study of Light Verbs "kardan (do), dadan (give), zadan (hit), and gereftan (take)" [MA Thesis, Linguistics]. Rafsanjan: Vali-e Asr University of Rafsanjan; 2022.
48. Sharif B. The Development of Compound Verbs in Iranian Languages. Language Science. 2023;10(18):365-400.
49. Sheghaghi V. Incorporation in Persian. Dastur (Grammar). 2007(3):3-39.
50. Shirzadeh Farashchi A. A Semantic Study of Persian Verbs [MA Thesis, Linguistics]. Tehran: University of Tehran; 1971.
51. Spencer A. Incorporation in Chukchi. Language. 1995;71:139-89.
52. Tabaian H. Persian Compound Verbs. Lingua. 1979;47:189-208.
53. Tabatabaei SA. Compound Verbs in Persian. Academy Letter. 2005(26):26-34.
54. Taleqani AH. An Analysis of Some Persian Compound Verbs within the Dependent Shift Hypothesis Framework [MA Thesis, Linguistics]. Tehran: University of Tehran; 1996.
55. Torabi M. Object Incorporation in Persian: A Role and Reference Grammar Approach [MA Thesis, Linguistics]. Isfahan: University of Isfahan; 2013.
56. Va'ez H. Combinability of Compound Verbs in Contemporary Persian [MA Thesis, General Linguistics]. Tehran: Islamic Azad University, Tehran Central Branch; 1999.
57. Vahidian Kamyar T. There Is No Compound Verb in Persian. Proceedings of the Second Congress of Iranian Research, Vol 1. Mashhad: University of Mashhad; 1972. p. 264-8.
58. Vaseq E. Elliptical Constructions in Sentences Containing Compound Verbs in Persian: A Phase-Based Approach. Linguistic Researches. 2023;15(28):181-98.
59. Yamin MH. Contemporary Grammar of Dari Persian. Kabul: Maiwand; 2014.